

پدر پولدار پدر بی پول

ثروتمندان، چه چیزی را درباره پول به فرزندان خود می آموزند که طبقه فقیر و متوسط از آن غافل اند؟

تألیف: رابرت کیوساکی

مترجم: محسن مجد کیما

ویراستار: انسیه طالبی

آریان



سرشناسه :	کیوساکی، رابرت تی. ۱۹۴۷ - م. Kiyosaki, Robert T
عنوان و نام پدیدآور :	پدر پولدار، پدر بی پول؛ ثروتمندان چه چیزی را درباره پول به فرزندان خود می آموزند که طبقه فقیر و متوسط از آن غافل اند/ نویسنده رابرت کیوساکی، [شارون لستر]؛ مترجم: محسن مجددی کیا؛ ویراستار انسیه طالبی.
مشخصات نشر :	تهران: آریان، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری :	ص ۳۱۲
شابک :	۹۷۸-۶۰۰-۹۸۷۹-۳۴-۲
وضعیت فهرست نویسی :	فیا.
یادداشت :	عنوان اصلی: Rich dad, Poor dad: what the rich teach their kids about money that the poor and middle class do not.
عنوان دیگر :	ثروتمندان چه چیزی را درباره پول به فرزندان خود می آموزند که طبقه فقیر و متوسط از آن غافل اند.
موضوع :	امور مالی شخصی. Finance, Personal
موضوع :	سرمایه گذاری. Investments
شناسه افزوده :	مجددی کیا، محسن، ۱۳۴۲ - ، مترجم.
شناسه افزوده :	طالبی، انسیه، ۱۳۷۱ - ، ویراستار.
رده بندی کنگره :	۱۳۹۷ پ ۴/ک ۹/ ۱۷۹ HG
رده بندی دیویی :	۳۳۲/۰۲۴
شماره کتابشناسی ملی :	۵۳۶۵۸۰۱



www.ketab.ir

نام کتاب	پدر پولدار، پدر بی پول
نویسنده	رابرت کیوساکی
مترجم	محسن مجددی کیا
ویراستار	انسیه طالبی
ناظر چاپ	علی غلامی
نوبت چاپ	سوم، ۱۴۰۰
شمارگان	۱۱۵۰ نسخه
قیمت	۷۵۰۰۰ تومان
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۹۸۷۹-۳۴-۲

تهران: خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، کوچه فاتحی داریان، پلاک ۶، طبقه اول
 تلفن: ۶۶۹۷۱۳۴۴ - ۶۶۴۰۰۲۳۵
 پست الکترونیک: info@arayanbook.com سایت: www.arayanbook.com

« حق چاپ و نشر مجدد این اثر (یا بخشی از آن) برای انتشارات آریان محفوظ است. »

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۷	مقدمه: نیازی وجود دارد.....
۱۱	همان چیزی که به دنبالش بودم.....
۲۵	فصل اول.....
۲۷	پدر پولدار، پدر بی پول (به روایت رابرت کیوساکی).....
۳۴	درسی از رابرت فراست.....
۳۷	فصل دوم.....
۳۹	درس اول: پولدارها برای پول کار نمی کنند.....
۴۰	مشارکت، شکل گرفت.....
۴۷	درس‌ها، شروع می شود.....
۵۰	سی سنت، بعداً.....
۵۲	در صف انتظار در روز شنبه.....
۶۸	اجتناب از یکی از بزرگترین دام‌های زندگی.....
۸۶	مشاهده آن چه دیگران نمی بینند.....
۹۱	فصل سوم.....
۹۳	درس دوم: چرا سواد مالی را آموزش می دهید؟.....
۹۴	ثروتمندترین بازرگانان.....
۱۰۲	«این الگوی جریان نقدی یک دارایی است.».....
۱۰۳	«این الگوی جریان نقدی یک بدهی است.».....

۱۱۰	داستان چگونگی تبدیل تلاش برای رؤیای مالی به کابوس مالی
۱۱۹	بدهی
۱۲۳	اظهارنامه مالی شخصی پدر تحصیل کرده
۱۲۳	اظهارنامه مالی شخصی پدر پولدار
۱۲۴	چرا ثروتمندان، ثروتمندتر می شوند
۱۲۵	چرا طبقه متوسط در تنگناست؟
۱۳۳	فصل چهارم
۱۳۵	درس سوم: حواستان به کسب و کار خودتان باشد
۱۴۷	فصل پنجم
۱۴۹	درس چهارم: تاریخچه مالیات و قدرت شرکتها
۱۵۳	ثروتمندان، چگونه بازی می کنند
۱۶۷	فصل ششم
۱۶۹	درس پنجم: پولدارها، پول را خلق می کنند
۲۰۳	فصل هفتم
۲۰۵	درس ششم: برای یادگیری کار کنید برای پول کار نکنید
۲۲۷	سرآغاز
۲۲۷	فصل هشتم
۲۲۹	غلبه بر موانع
۲۵۷	شروع به کار
۲۵۷	فصل نهم
۲۵۹	شروع به کار
۲۷۵	اول به خودتان پرداخت کنید
۲۷۶	کسی که اول به دیگران پرداخت می کند و اغلب چیزی باقی نمی ماند
۲۹۵	فصل دهم
۲۹۷	هنوز بیشتر می خواهید؟ برخی از کارهایی که باید انجام دهید
۳۰۵	سخن آخر
۳۰۷	چگونه هزینه تحصیلات دانشگاهی فرزندان را تنها با هفت هزار دلار تأمین کنیم



نیازی وجود دارد

آیا مدرسه، کودکان را برای دنیای واقعی آماده می‌کند؟ والدینم عادت داشتند که بگویند: «با جدیت درس بخوان و نمرات خوبی بگیر و شغلی پُر درآمد با مزایای فراوان پیدا کن.» هدف آن‌ها در زندگی، این بود که تحصیلات دانشگاهی را برای من و خواهر بزرگ‌ترم فراهم کنند؛ به‌طوری که ما بیشترین شانس را برای موفقیت در زندگی داشته باشیم. هنگامی که من در نهایت، مدرک تحصیلی خود را در سال ۱۹۷۶ گرفتم و با افتخار به‌عنوان نفر برتر کلاس در رشتهٔ حسابداری از دانشگاه ایالتی فلوریدا^۱ فارغ‌التحصیل شدم، والدینم به هدف خود رسیدند. این موضوع، عالی‌ترین دستاورد زندگی آن‌ها بود. طبق «طرح جامع»، من در یکی از هشت شرکت حسابداری بزرگ استخدام شدم و در سال‌های اول، انتظار داشتم کار حرفه‌ای و دوران بازنشستگی طولانی‌مدت داشته باشم.

شوهرم مایکل، مسیر مشابهی را دنبال کرد. ما هر دو از خانواده‌های سخت‌کوش با درآمد متوسط اما اخلاق کاری قوی بودیم. مایکل نیز با افتخار فارغ‌التحصیل شده بود؛ اما او این کار را دو بار انجام داد؛ اول به‌عنوان مهندس و سپس از دانشکده حقوق. او به‌سرعت در یک شرکت حقوقی معتبر در واشنگتن دی سی^۱، متخصص در حقوق ثبت اختراع، استخدام شد و به‌نظر می‌رسید آینده‌اش روشن، مسیر شغلی‌اش به‌خوبی تعریف و بازنشستگی زودهنگامش نیز تضمین شده باشد.

اگرچه ما در حرفه خود موفق بودیم، آن‌طور که انتظار داشتیم به آخر نرسید. ما هر دو، چند بار موقعیت‌های خود را به دلایل کاملاً درست تغییر دادیم؛ اما هیچ برنامه‌ای برای بازنشستگی نداشتیم و پس‌اندازهای بازنشستگی ما، تنها از طریق کمک‌های فردی خودمان افزایش می‌یافت.

من و مایکل، ازدواجی عالی با سه فرزند فوق‌العاده داریم. اکنون که من این مطلب را می‌نویسم، دو نفر آن‌ها در دانشگاه مشغول تحصیل‌اند و یکی دیگر، به‌تازگی مقطع دبیرستان را شروع کرده است. ما مبالغ کلانی را صرف کرده‌ایم تا اطمینان یابیم که فرزندانمان، بهترین آموزش‌های موجود را دریافت می‌کنند.

یک روز در سال ۱۹۹۶، یکی از فرزندانم ناامید و سرخورده از مدرسه به خانه رسید. او از تحصیل، خسته و کسل شده بود. به همین خاطر، با اعتراض پرسید: «چرا باید وقت خود را صرف مطالعه موضوعاتی کنم که در زندگی واقعی، هرگز از آن‌ها استفاده نخواهم کرد؟»

بدون تفکر، پاسخ دادم: «چون اگر نمره‌های خوبی نگیری، نمی‌توانی به دانشگاه بروی.»

1. Washington, D.C.